



املا تلفیقی شماره ۱۲

به نام خالق آسمانها

تعطیلات آخر هفته‌ی گذشته به همراه پدرم برای رصد ستارگان به کویر اطراف شهر کاشان رفتیم و همانجا اتراق کردیم تا هوا کاملا تاریک شد. در تاریکی شب کویر، نور ستارگان بسیار بهتر قابل تشخیص است و اینطور به نظر می‌رسد که آسمان الماس نشان شده باشد. تعداد ستارگان بسیار بیشتر از آن چیزی بود که در آسمان تهران می‌توانستم ببینم. علت را از پدرم پرسیدم و ایشان در حالی که تلسکوپ بزرگی را آماده‌ی رصد می‌کردند، گفتند: "آنچه در شهرها مانع از تشخیص نور بسیاری از ستارگان می‌شود، آلودگی هوا، ابرها و همینطور نور لامپ‌های منازل و خیابان‌هاست. حال آنکه در کویر هیچ آلودگی و یا نوری مزاحم دید ستارگان نیست و ما می‌توانیم ستارگان با نورهای ضعیف‌تر را نیز تشخیص دهیم."

از درون تلسکوپ به مریخ آجری رنگ و زحل با حلقه‌های شگفت‌انگیزش نگاه کردیم. پدرم چند صورت فلکی را به من نشان داد و من نیز کنجکاوانه و با حیرت به آنها نگاه می‌کردم و هر لحظه سوالات بیشتری در ذهنم شکل می‌گرفت. پدرم نیز صبورانه و با اشتیاق و البته در سطح ادراک من، پاسخم را می‌داد.

به پدرم گفتم: "ما در درس اجتماعی آموخته‌ایم که در زمان‌های قدیم از وسیله‌ای به نام اسطرلاب برای رصد ستارگان و جهت‌یابی استفاده می‌شده است که اختراع مسلمانان بوده است." پدرم گفت: "البته اولین و ساده‌ترین اسطرلاب‌ها توسط یونانیان باستان ساخته شده بود ولی مسلمانان توانستند آن را کامل کنند و اسطرلاب پیشرفته‌ای بسازند که بسیار دقیق‌تر و کاربردی‌تر بود."

شب به یادماندنی و تجربه‌ی شگفت‌انگیزی بود. حالا احساس می‌کنم به علم نجوم و ستاره‌شناسی بسیار علاقمند شده‌ام و می‌خواهم در این زمینه مطالعات بیشتری داشته باشم. چه کسی می‌داند؟ شاید هم روزی فضانورد شدم!!